



ذخیره گاه زیست کره توران بزرگترین  
ذخیره گاه زیست کره ایران است و آن را  
آفریقای ایران لقب داده‌اند.

# روستاگردی در توران

گزارش و عکس: آتوسا خداداد



پژوهشگاه مطالعات فرهنگی  
مجمع علمای ایران



مسافر اولین جشنواره سفر به توران بودم، منطقه‌ای در انتهای ترین شرق استان سمنان، ۲۵۰ کیلومتری جنوب شرق شاهرود. شبی در اوایل اردیبهشت ماه در پایانه مسافری بیهقی تهران وعده حرکت با اتوبوس گذاشتیم. از برو بیچه‌های خبرنگار و عکاس گرفته تا راهنمایان تور و نمایندگان از دفاتر خدمات مسافرتی ترکیب همگونی از گروه را شکل می‌دادند. ساعت ۱۱ شب همزمان با حرکت اتوبوس صدای هیاهو و خنده همسفران فضا را پر کرده بود. در جاده تهران مشهد به سمت میامی حرکت کردیم.

اتوبوس حوالی ۷ صبح در بیارجمند برای صرف صبحانه ایستاد. پس از آن اتوبوس‌ها عوض شد و سوار بر مدل‌های قدیمی تری شدیم که به قصد دیدن روستای قلعه بالا برای جاده‌های خاکی آبدیده بودند. روستایی که ۱۳۹ خانوار - بر اساس آمار رسمی سال ۱۳۸۵ - زندگی می‌کنند. ۳۹۷ نفر شامل ۲۱۳ زن و ۱۸۴ مرد. البته قدری کم‌تر یا بیش‌تر.

روستای کوهپایه‌ای قلعه بالا سرشار از جاذبه‌های طبیعی و تاریخی است که به‌عنوان یکی از روستاهای دیدنی استان سمنان معروف است.

هم‌جواری روستا با دشت‌های دلبر و علی انگر از ویژگی‌های ممتازش است. این دشت‌ها از مناطق حفاظت شده ملی و زیستگاه یوزپلنگ و گورخر ایرانی هستند. در آمیختگی مناظر زیبای کوهستانی و چشم‌اندازهای اغواکننده سراب‌های کویری، از جلوه‌های کم‌نظیر طبیعت روستای قلعه بالاست. پشته‌های پهن، کوه‌های کم‌ارتفاعی هستند که سطح صافی دارند و از جمله جاذبه‌های بدیع محسوب می‌شوند. دره مار و چشمه‌های قدس و معصوم از نواحی تفرجگاهی این روستاست. مردمان این روستا به بافت قالی سرگرمند و این هنر را به‌عنوان سوغات صنایع دستی می‌فروشند. کم‌تر مسافری است به این روستا بیاید و با خود تکه‌ای ولو کوچک از قالی روستا را به یادگار نبرد.

اتوبوس به روستا نزدیک شد. خانه‌های کوچک را کنار هم ردیف می‌بینی که فراز تپه را پوشانده‌اند. یا خانه‌هایی که هم‌جوار کوچه پس‌کوچه‌های باریک از نقش مهم همسایگی و هم‌جواری در زندگی روستائینان حکایت دارد. اتوبوس ایستاد و از همان لحظه پیاده شدن مسافران، دوربین‌ها از پوستین بیرون آمد و عکاسان به هنرنمایی مشغول شدند. زیبایی و بکر بودن حس آشنای سادگی داشت. راحت و به دور از زرق و برق شهری.



ساز و آواز در رمل‌های روستای رضآباد. استان سمنان



روستای قلعه بالا.  
عکس: علیرضا اسلام پناه

لحظات نامطلوبی از زندگی را تجربه می‌کنند. پس از صرف غذا آن قدر کنکاش در این روستا و دمساز شدن با زندگی مردمان سرگرم‌مان کرد که فکر استراحت به ذهنمان خطور نمی‌کرد. این بود که راه فوق‌العاده زیبا و سبزی که جوی زلالی هم در آن روان بود را پیش گرفتیم تا از روستای قلعه بالا به سمت روستای گیور و از آن‌جا به دزبان برویم.

این سه روستا در واقع با مسیر باریک زیبا و کوتاهی به یکدیگر متصل بودند. اطراف مسیر، درختان گردو، و بادام و انار به وفور یافت می‌شد. زنان روستایی با شربت شیره انگور و نان مخصوصی که با سبزی محلی آغشته بود از ما پذیرایی می‌کردند.

چه شیرین! بچه‌های روستایی با بازی هفت سنگ و الک دولک خود را مشغول می‌کردند. در روستای دزبان مراسمی برپا بود که با الاغ‌هایشان تئاتر اجرا می‌کردند. ورودی روستا به قدری چشم‌نواز بود انگار وارد دربند یا فرحزاد تهران می‌شوی. مردم روستا محصولاتی چون فلفل، زیره، کنجد، تخمه آفتاب‌گردان و دیگر محصولات صیفی و باغی را در معرض دید و خرید گردشگران گذاشتند. زنان هنرمند منطقه توران از جمله بافندگان

در گوشه‌ای خانمی اسپند به دست ایستاده بود و کم‌تر خانهای را می‌توانستی پیدا کنی که درب آن بسته باشد. همان‌طور که از راه‌های تو در تو و باریک رد شدیم به درب خانه‌ای رسیدیم که کاملاً باز بود. دختری جوان به داخل دعوت کرد پا به پای او تمام خانه را دیدم... در گوشه حیاط تنور ساده و زیبایی بود که در کنار در ورودی نان می‌پختند. در کنار آن قابلمه‌ای روی منقل بود که بخار آن فضا را از بوی غذا آکنده بود.

خانم جوان تاقچه‌ها و ظروف قدیمی را نشانم داد. او مرتب لبخند بر لب داشت در لحظه خداحافظی دست در جیب دامنش کرد و مشتی گردو و بادام به من داد.

در روستا جشنی برپا بود و مردان کمی دورتر به رقص محلی و پایکوبی با چوب مشغول بودند. موسیقی مورد علاقه مردم روستای قلعه بالا، ترانه‌ها و نغمه‌های محلی است که غالباً در جشن‌ها و مراسم عروسی می‌خوانند و می‌نوازند. صدای سازهایشان به میمنت ورود ما نیز در فضا پر بود. از زنان و مردان مسن و سر حال در ایوان خانه‌هایشان با چای سماور زغالی و آتش محلی از ما پذیرایی کردند. در آن لحظه به حال افراد مسن شهرمان غبطه خوردم که اسیر زندگی شهری، ترافیک و آلودگی

**موسیقی مورد علاقه مردم روستای قلعه بالا، ترانه‌ها و نغمه‌های محلی است که غالباً در جشن‌ها و مراسم عروسی می‌خوانند و می‌نوازند. صدای سازهایشان به میمنت ورود ما نیز در فضا پر بود**



دیگر جاذبه‌های این سفر است.

چیزی که در این سفر جالب بود گروهی که در ابتدا برای گردشگران ساز می‌زدند در جایی دیگر برایمان با لباس‌های مخصوص غذا آوردند و از ما پذیرایی می‌کردند و در موقع استراحت همان افراد خانه‌هایشان را در اختیارمان قرار می‌دادند. با تمام امکانات همراه با رختخواب‌های تمیز. این نشان از آن داشت که برنامه‌هایی برای آموزش افراد محلی در خصوص بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی آن منطقه در جریان است. آموزش این افراد کمک خواهد کرد تا نسبت به داشته‌های ملی و فرهنگی همواره حساس باشند و بدانند که از طریق اشاعه فرهنگ بومی می‌توان درآمدزایی کرد و صنعت گردشگری را رونق داد.

سفر محققین و گردشگران داخلی و خارجی به منطقه خوارتوران با بهره‌گیری از افراد بومی آشنا در زمینه‌های گوناگون گردشگری درآمد و سود مستقیم برای جوامع محلی ساکن در داخل و حاشیه منطقه به همراه دارد.

جا دارد توجه ویژه‌ای در خصوص تشویق جوامع انسانی، محلی و بومی برای اشاعه بیشتر خلاقیت در اجرای مدیریت مشارکتی نظیر به کارگیری نیروهای بومی، محلی در امر حراست و آموزش به عمل آید.

گلیم‌های نقش برجسته و قالی‌های بلوچی هستند. غذاهای محلی آنان هم انواع اشکنه ماست، جوش قوروتی، آبگوشت و آش ترش مزه‌ای است که مزه آنها برای شهرنشینان تجربه متفاوتی دارد. بعد از ظهر همگی به سمت منطقه حفاظت شده خوارتوران رفتیم در آنجا گروهی با خودروهای شخصی آمده بودند ولی گروه ما سوار شدن بر نیشان وانت را ترجیح داد. در این منطقه خودرو به آرامی حرکت می‌کرد تا دیدن گورخر آسیایی که حیوان بومی این منطقه است ممکن شود. یک قلاده بچه یوزپلنگ نیز در محوطه‌ای نگهداری می‌شد.

در منطقه خوارتوران جای تأسف بود که پوشش گیاهی و تپه‌های ماسه‌ای حاشیه آن به علت چرای بی‌رویه و بوته‌کشی شدید به شدت تخریب شده است به طوری که حدود ۸۵۰ هکتار از تپه‌های ماسه‌ای اطراف روستا کاملاً بدون پوشش گیاهی است.

در بامداد روز بعد پس از صرف صبحانه محلی به سمت رمل‌ها حرکت کردیم روستای رضا آباد در محاصره رمل‌ها بود. در کنار رمل‌ها زنان محلی در چادری صنایع‌دستی می‌فروختند. گلیم و کیف از صنایع‌دستی بافته شده توسط زنان بود که با قیمت بسیار مناسب عرضه می‌کردند.

بدون کفش راه رفتن در روی رمل‌ها و بالا و پایین رفتن از

**سه روستای قلعه بالا، گیور و دزبان در واقع با مسیر باریک زیبا و کوتاهی به یکدیگر متصل بودند. اطراف مسیر، درختان گردو، و بادام و انار به وفور یافت می‌شد**



گونه های جانوری در خوارتوران

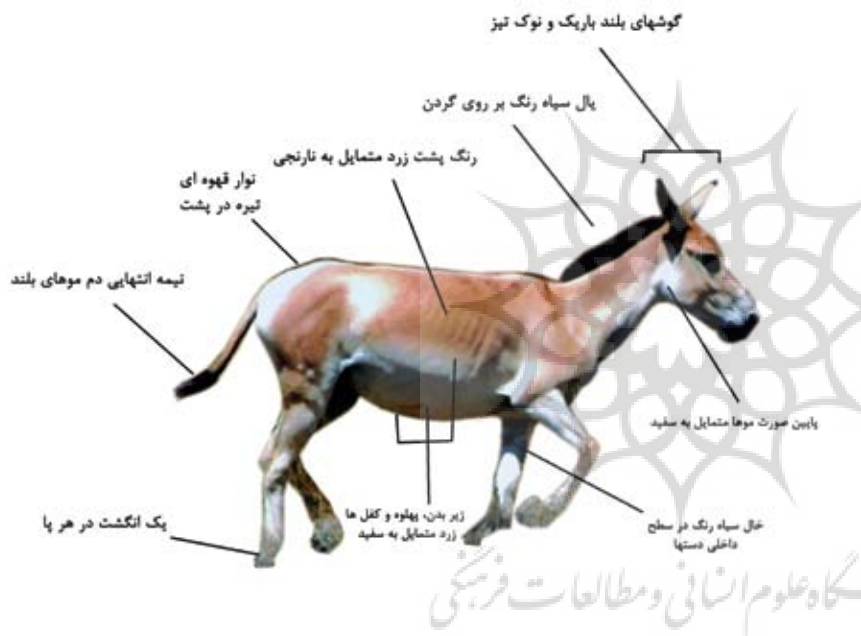
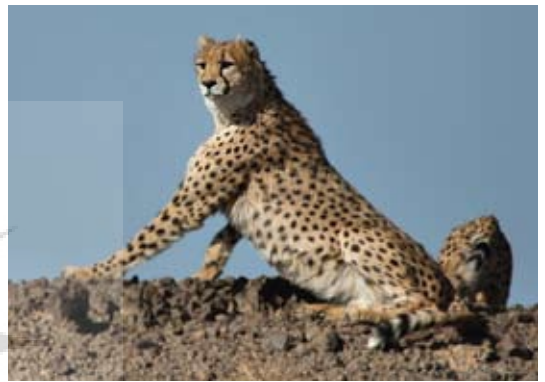
### درباره خوارتوران

خوارتوران را آفریقای ایران لقب داده‌اند. ذخیره گاه زیست کره توران با مساحت ۱۴۷۰۶۴۰ هکتار بزرگترین ذخیره گاه زیست کره ایران است که بعد از سرنگتی آفریقا واقع در کشور تانزانیا دومین منطقه بیوسفر جهان به شمار می‌آید که در فاصله ۱۴۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر شاهرود و ۲۸ کیلومتری جنوب شرقی مرکز بیارجمند و در شمال مرکزی کویر ایران واقع است.

این منطقه در حد فاصل ۳ رشته کوه به نام های شترکوه در غرب با ارتفاع ۲۲۸۱ متر، و کوه قلعه بالا در شمال غربی با ارتفاع ۲۲۶۵ متر و کوه پیغمبر با ارتفاع ۲۴۱۱ متر قرار گرفته است. منطقه خوارتوران با کویر شنزار و پستی و بلندی های جذاب شن‌های روان کویر مرکزی هم مرز است و در شرق، این منطقه به روستای طرود و سهل و کوه کفتی و از آن‌جا به شرق بیارجمند محدود می‌شود.

منطقه خوارتوران به دلیل وجود ویژگی‌های منحصر به فرد، پوشش گیاهی خاص، عوارض جغرافیایی پست و بلند اقلیم‌ها باعث به وجود آمدن یک اکوسیستم متنوع و مملو از گیاهان، جانوران و حشرات شده است. در حال حاضر می‌توان این منطقه را به‌عنوان یکی از ذخیره‌گاه‌های ژنی کشور دانست.


ذخیره گاه زیستگاه مهمی برای ۴۱ گونه پستاندار، ۱۶۷ گونه پرنده، ۴۲ گونه خزنده و ۲ گونه دوزیست و یک گونه ماهی است و در عین حال رویش گاهی مهم برای ۶۵۴ گونه گیاهی است. ذخیره‌گاه محل زیست گونه‌های نادر و در معرض خطر تهدید به انقراض از جمله یوزپلنگ آسیایی و گورخر ایرانی و همچنین حیات پرنده اندمیک ایران به نام زاغ بور که غالب محققان برای تحقیق در زمینه این پرنده مجبور به مسافرت به این ذخیره‌گاه هستند، بوده که بدین لحاظ دارای ارزش و اهمیت



گناه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

همچنین از راسته مازها در ایران هفت خانواده و کلاً ۷۲ گونه مار شامل ۶۳ گونه خشک‌زی و ۹ گونه دریایی در آب‌های جنوب وجود دارد.

از بین ۴۱ گونه پستاندار شناخته شده در ذخیره گاه توران تعداد ۶ گونه حمایت و حفاظت شده و تعداد ۴ گونه (گورخر ایرانی - یوزپلنگ آسیایی - شاه روباه - گربه شنی) در معرض خطر تهدید به انقراض هستند و نیز بر اساس قوانین و مقررات ملی از نظر فون پرندگان تعداد ۲۴ گونه حمایت و حفاظت شده و ۷ گونه (اردک بلوطی - عقاب شاهی - عقاب طلایی - بالابان - بحری - شاهین - هوبره) در معرض خطر تهدید به انقراض هستند.

با تمام این اوصافی که ذکر شد منطقه خارتوران را باید دشت فراموش شده در ایران دانست. 

ویژه‌ای است به بیان دیگر ذخیره‌گاه توران را می‌توان به مثابه جزیره امید برای تداوم زیست چنین گونه‌هایی محسوب کرد.

پستانداران ذخیره‌گاه زیست کره خارتوران شامل گرگ، شغال، روباه معمولی، کفتار، یوزپلنگ، کارکال، پلنگ، گربه وحشی یا دشتی، جبیر، آهو، پازن، قوچ وحشی و گورخر ایرانی است. هوبره، زاغ بور، بحری، دلیجه، کبک، تیهو، بلدرچین، عقاب دشتی، چاخ لق، کبوترچاهی، یا کریم، شاه بوف، سبزه قبا هندی، دم جنبانک ابلق، سنگ چشم دم سرخ و گنجشک معمولی از جمله پرندگان این منطقه هستند.

انواع گوناگونی از رده خزندگان در این منطقه به چشم می‌خورد که شامل راسته لاک پشت‌ها و نیز خانواده آگاماها، سمندرها و اسکینک‌ها هستند.

از دیگر خانواده خزندگان می‌توان به بزجه‌ها اشاره کرد.